در گفتگو با نویسندهٔ پاریس پاریس مطرح شد

دلایل فراموشی قیام فیروزه‌ای

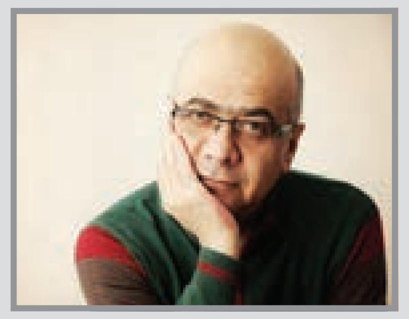

یلدا مهدوی- مرگ آرام دختر نوغانی برای صیانت از گوهر وجودش در پاریس پاریس، همان رمان تاریخی که سعید تشکری دست به قلم شد و نوشت، بهانه‌ای شد تا به کمک آن از واقعه‌ای حقیقی که در آن شاه مملکت با قلدری به‌دنبال بخشیدن آزادی‌های زورکی بود، پرده بردارد. کتاب پاریس پاریس تشکری در کنار ۲۰ داستان کوتاه او دربارهٔ گوهرشاد، از جمله کتاب‌هایی است که به موضوع کشف حجاب و سیاست‌های اغلب سفرنامه‌ای رضاشاه (سیاست‌هایی که بعد از سفرهایش به کشورهای مختلف به آن‌ها می‌رسید) پرداخته است. سیاست‌های فرهنگی رضاخان هم جزو همین‌ها بود، سیاستی که بعد از سفر به ترکیه و دیدار با آتاتورک غرب‌گرا تدوین شد و زمینه‌ساز هفت سال مقاومت فرهنگی مردم ایران گردید. تشکری در گفتگو با شهرآرا به تعداد اندک آثار تولیدشده دربارهٔ این ماجرا اشاره دارد و معتقد است که: «اکنون نویسندگان و هنرمندان متعهد ما در حاشیه قرار گرفته‌اند.».

رسانه‌های ما هم مناسبتی شده‌اند

البته این نویسنده توجه اندک به قیام‌های مردمی نظیر گوهرشاد را به کم‌توجهی رسانه‌ها نیز گره می‌زند و در نقد خود به این موضوع اشاره دارد که رسانه‌ها در پرداختن به موضاعاتی نظیر حادثهٔ گوهرشاد تنها بر پایهٔ تقویم کاری و درج خبری با مضمون تقویم توجه دارند. تشکری در ادامه با ارائهٔ مصداقی در این‌باره، نقد خود را به رسانه‌ها کامل می‌کند و می‌گوید: «مگر تاکنون دربارهٔ واقعهٔ کشتار مسجد گوهرشاد مشهد ما تولید فرهنگی در سینما و تلویزیون داشته‌ایم؟ درصورتی که بارها به همین رسانه‌ها گوشزد شده موج ضد فرهنگی فضا را گرفته است.».

او در ادامه با تأکید بر اینکه قاب رسانه خالی از تولید و توجه به این مضامین است، بیان می‌کند: «مخاطب از طریق سخنرانی تهییج نمی‌شود. او الگوی فرهنگی دیداری و شنیداری می‌خواهد. باوجوداین رسماً نویسندگان و هنرمندان متعهد ما در حاشیه قرار گرفته‌اند و انبوه‌سازان همیشگی هم دغدغهٔ مطالبات فرهنگی جدی را ندارند.».

همین آثار اندک را تاب نمی‌آورند

این نویسنده در پاسخ به این سؤال که نویسندگان و هنرمندان ما چقدر توانسته‌اند با پردازش رویدادهای تاریخی نظیر قیام گوهرشاد یا سایر رویدادهای تاریخی (آن هم در قالب زیبا و دلنشین هنری) مؤثر واقع شوند، می‌گوید: «این پرسش را از کسانی بپرسید که همین چند کتاب ما را هم تاب نمی‌آورند و با برچسب اقلیتی بودن ما را به حاشیه سوق می‌دهند و می‌گویند اکثریت جامعهٔ شهری این را نمی‌خواهد.».

نویسندهٔ رمان پاریس پاریس دربارهٔ ادعای برخی مبنی بر کهنه‌شدن قیام گوهرشاد، عنوان می‌کند: «فرهنگ دینی مگر کهنه‌پوشی دارد؟ تقوا داشتن مگر یک‌شبه به‌وجود می‌آید؟ ظرفیت قیام گوهرشاد تازه دارد نوسازی می‌شود و اسناد جمع‌آوری‌شده توسط مدیریت امور هنری شهرداری مشهد، فرهنگسرای بهشت و حسینیهٔ هنر و نیز برگزاری همایش سروهای فیروزه‌ای توسط وحید جلیلی، معاون فرهنگی مشهد و دیگر دوستان یک جمع‌گرایی مثبت است.».

تشکری با تأکید بر این مسئله که اسناد متروکه نمی‌شوند، اما بایگانی می‌شوند، ادامه می‌دهد: «اکنون ما این اسناد را داریم و پشتیبانی نیاز داریم. نمی‌دانم در دوره‌های بعدی آیا بحث مسجد گوهرشاد برای شهرداری بازهم در اولویت خواهد بود یا خیر.».

به گفتهٔ این نویسندهٔ مشهدی، سروهای فیروزه‌ای در مسجد گوهرشاد یک اتفاق ملی است که زیرساخت تولید هرگونه اثر در قالب هنر و ادبیات را دارد و در این ارتباط ضرورت آگاهی از چنین اتفاق ایمانی و مردمی برای نسل‌های آینده با روایتگری‌هایی ادبی احساس می‌شود و آثار آن هم ماندگار خواهد شد. تشکری متذکر می‌شود: «قیام ملی گوهرشاد یک رخداد محلی و بومی نیست. یک رویداد بزرگ در سطح جهان دینی شیعی ماست که در مظلومیت و معصومیت کامل به سر می‌برد! چه واقعه‌اش و چه تولیداتی که از سر ادای وظیفه و دین به آن انجام شده است.».

گوهرشاد آلترناتیو فضای فرهنگی مشهد

به گفتهٔ او جمع‌آوری تاریخ شفاهی گسترده از شاهدان و بازماندگان این واقعه اثبات کرد که چقدر این قیام ملی نیازمند تولید و بازتولید آثار هنری و ادبی است. این نویسندهٔ مشهدی در مورد نقش نهادی مانند شهرداری مشهد در پرداختن به موضوع قیام گوهرشاد و تشکیل دبیرخانهٔ ملی برای این قیام می‌گوید: «بی‌تعارف حرف بزنیم شهرداری مشهد و شخص آقای جلیلی و همکاران ایشان با برگزاری جشنوارهٔ بهار فیروزه‌ای و سمینار گستردهٔ سروهای فیروزه‌ای آلترناتیو عمیق و وسیعی را به مشهد منتقل کردند.».

نویسندهٔ کتاب پاریس پاریس ادامه می‌دهد: «اما بازهم تأکید می‌کنم در کنار هنرمندان و نویسندگان باید رسانهٔ ما با گریز از فضای ویترینی و جشنواره‌ای و موسمی از تولید این آثار از سر وظیفه پشتیبانی کند نه آنکه در سالروز این واقعه یادمان بیاید که قیام گوهرشاد را باید زنده نگه داشت!».

مجید عسگری، مدیر فرهنگسرای بهشت و دبیر اجرایی طرح ملی گوهرشاد از اهداف این طرح می‌گوید

طرح ملی گوهرشاد، هویت پایتخت معنوی ایران

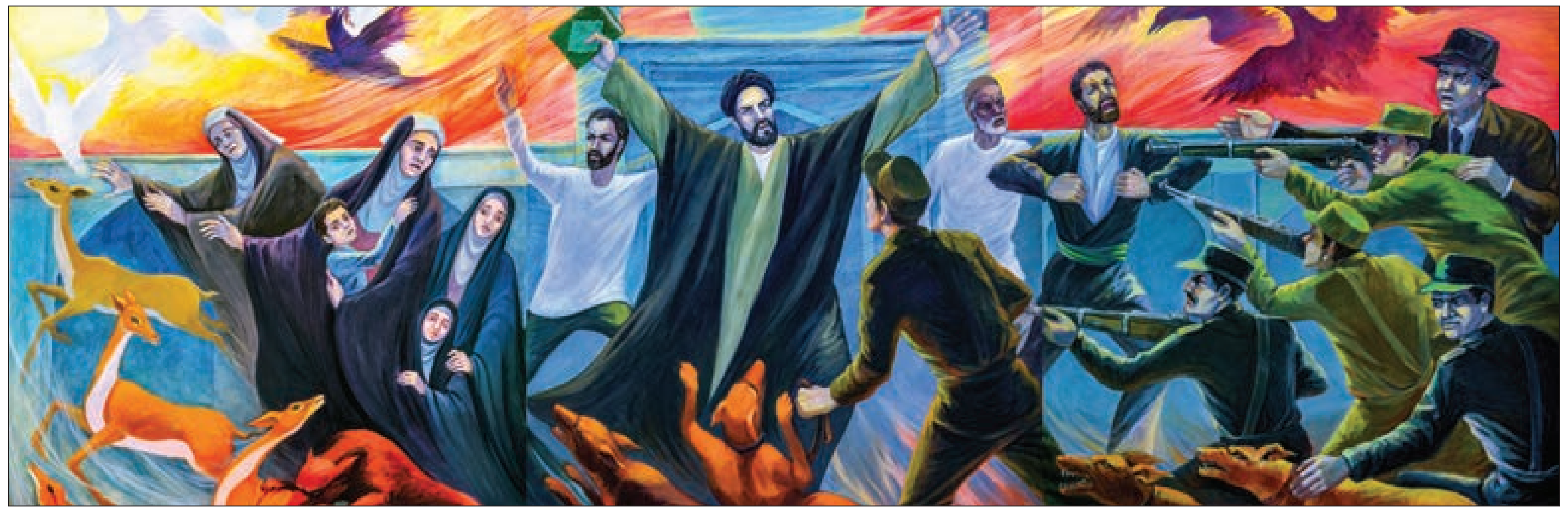

سیاست‌های فرهنگی رضاخان برای انهدام هویت دینی و ملی مردم ایران به‌قدری در سطح کشور گسترده بود که تقریباً هیچ خانوادهٔ ایرانی‌ای نیست که از آن متأثر نشده باشد. قیام مسجد گوهرشاد در تیرماه ۱۳۱۴ مقدمهٔ خونینی برای مقاومت مردم ایران در برابر این سیاست‌ها بود. به‌همین جهت هرچند که این قیام در مشهد اتفاق افتاده است، اما پرداختن به آن می‌تواند زمینه‌ای برای بازخوانی یک خاطرهٔ مشترک در سراسر ایران باشد. از طرفی اگر مشهد بخواهد به‌عنوان پایتخت معنوی ایران در سطح کشور شناخته شود، باید هویت تاریخی و دینی خود را با پروژه‌هایی واقعی در سطح کشور تعریف کند. ازاین‌منظر و با توجه به اینکه طرح ملی گوهرشاد قابلیت تعریف اقدامات مختلف در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی را دارد، دارای پتانسیل‌های لازم برای تبدیل‌شدن به یک جریان محوری در معرفی مشهد به‌عنوان پایتخت معنوی ایران و شهری با صبغهٔ تاریخی و انقلابی است.

هویت زن مسلمان

ادعای رضاخان و حلقهٔ تجدد وارداتی حامی او این بود که تغییر لباس و کشف حجاب زنان لازمهٔ پیشرفت کشور است و زن باید از قید دین رها شود تا بتواند در مسیر پیشرفت قرار گیرد. جالب اینجاست که او مردم را در مسجدی می‌کشد که پانصد سال پیش از آن با دغدغهٔ توسعهٔ فرهنگی توسط یک زن مسلمان و فعال اجتماعی به نام «گوهرشاد» در تمدن دینی بنا شده است.

بازخوانی تاریخ نهضت مقاومت فرهنگی مردم ایران و بررسی ثمرات و نتایج آن در جهان کنونی

جنبش عظیمی که در مسجد گوهرشاد سرکوب شد، به‌معنای واقعی کلمه، یک نهضت بوده است، نه یک اتفاق و حادثهٔ تاریخی. هفت سال دفاع مقدس و مقاومت مردم ایران در سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ که با قیام مسجد گوهرشاد آغاز شد، مقدمهٔ نهضت حجاب و نفوذ تفکرات دینی کنونی به کشورهای غربی است و ثمرهٔ خون شهیدان این قیام بعد از هشتاد سال به بار نشسته است. لذا بازخوانی این قیام مردمی می‌تواند نشان‌دهندهٔ تاریخ مقاومت فرهنگی مردم ایران اسلامی باشد.

مقابله با تطهیر پهلوی

در سال‌های اخیر جریان طراحی‌شده‌ای برای تطهیر دوران پهلوی در رسانه‌های وابسته به غرب به‌راه افتاده است. یکی از ابعاد مهم واقعهٔ گوهرشاد، نشان‌دادن ددمنشی و استبداد رضاخانی است که به‌راحتی صدها نفر در یک شب و در مسجدی داخل حرم مطهر به خاک‌وخون کشیده می‌شوند. مهم‌تر از این کشتار، استبداد رضاخانی در اعمال سیاست‌های فرهنگی ضددینی این دوران است که با سرنیزه و اجبار به‌دنبال تغییر در مدل زندگی و حجاب مردم است.

تولید محتوا

دوران کشف حجاب رضاخانی و آنچه در مسجد گوهرشاد اتفاق افتاده است، دارای جذابیت‌ها و تراژدی‌های رسانه‌ای و هنری زیادی است که می‌تواند سرفصل‌های جدیدی در تولید محتوای فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور ایجاد کند. در فعالیت‌های فرهنگی و تاریخی دنیا برای اتفاقاتی بسیار کوچک‌تر از این واقعه موزه ساخته‌اند و تولیدات رسانه‌ای و هنری متنوعی انجام شده است. اما متأسفانه در میان فعالان فرهنگی و هنری بعد از انقلاب دوران استبداد رضاخانی با بایکوت کامل رسانه‌ای و فرهنگی مواجه شده و به‌جز برخی تولیدات هنری، اتفاق ویژه‌ای نیفتاده است. باتوجه به این کم‌کاری و غفلت انجام‌شده و از طرفی فراگیری و جذابیت ماجرا توجه جدی‌تر از قبل برای شکل‌گیری گروه‌های خودجوش در حوزهٔ تاریخ شفاهی و جمع‌آوری محتوا و همچنین ایجاد فضای جدیدی از تولیدات محتوایی و هنری نیاز است.

از سوی مدیریت امور هنری شهرداری مشهد صورت می‌گیرد

رونمایی از نشان شهدای گوهرشاد

مهدیزاده- «رونمایی از نشان‌ها و یادبودهایی حجمی شهدای گوهرشاد در محل احتمالی گورهای دسته‌جمعی این شهدای مظلوم در روز بزرگداشت گوهرشاد انجام خواهد شد.»

محمدجواد میری، مدیر امور هنری شهرداری مشهد ضمن اعلام این مطلب از رونمایی از انیمیشن ۷۰دقیقه‌ای و خوش‌ساخت که موضوع آن هویت مشهد و واقعهٔ گوهرشاد است نیز خبر می‌دهد. به گفتهٔ میری، برای تهیهٔ این انیمیشن، دو سال زمان سپری شده که به‌زودی رونمایی می‌شود. مدیر امور هنری شهرداری مشهد دربارهٔ اقدامات شهرداری مشهد دربارهٔ حادثهٔ گوهرشاد در قالب‌های هنری می‌گوید: «یکی از موضوعاتی که شهرداری مشهد به آن ورود داشته، ساخت فیلمی در مورد واقعهٔ گوهرشاد بود که اکنون این فیلم با عنوان "لحاف چهل‌تکه" در مراحل آماده‌سازی است.».

حجاب محور ضربه دوازدهم

وی اقدام شهرداری به تهیهٔ نشان‌ها و یادبودهای شهری را یکی دیگر از فعالیت‌های شهرداری مشهد برشمرد و اظهار کرد: «این نشان‌ها و یادبودها در روز بزرگداشت این قیام در مشهد رونمایی می‌شود.».

مدیر امور هنری مشهد که پیش‌ازاین در حوزهٔ گوهرشاد دست‌به‌قلم هم شده و در این رابطه کتابی با عنوان ضربه دوازدهم منتشر کرده است، در ادامه و در توضیحاتی مختصر برای این کتاب عنوان می‌دارد: «کتاب ضربه دوازدهم، سال ۸۶ از محل پژوهش‌های تاریخی تدوین و در قالب کتابچه‌ای منتشر شد.». به گفتهٔ وی، در این کتاب به موضوع کشف حجاب در دوران رضاخان تا وقایع پس از آن در دوران پهلوی پرداخته‌شده است.

مدیر امور هنری شهرداری مشهد، حجم اندک فعالیت‌های صورت‌گرفته در دهه‌های گذشته از سوی نهادهای فرهنگی کشور دربارهٔ قیام گوهرشاد را نشانهٔ «غربت گوهرشاد» می‌داند و می‌گوید: «در این حوزه و در قالب‌های گوناگون ادبی متأسفانه یک ضعف عمومی در گذشته وجود داشته است.».

محمدجواد میری می‌افزاید: «آنچه باید در مورد حادثهٔ قیام گوهرشاد به آن اشاره داشت، این است که در مورد این حادثه یک غربت مضاعف وجود دارد. به‌ویژه در دوران رضاشاه و با توجه به سیاست‌های وارداتی او تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا این حادثهٔ تاریخی منعکس نشود.».

به گفتهٔ میری با وجود عظمت و وسعت حادثهٔ گوهرشاد، در این رابطه حتی سال‌ها کسی جرئت نداشت به این حادثه و علل شکل گرفتن این رویداد تاریخی بپردازد.

میری ادامه می‌دهد: «البته در دهه‌های اخیر این توقع از دستگاه‌های فرهنگی وجود داشت که با تولیداتی فرهنگی این غبار فراموشی را از این تابلوی مقاومت مردمی بردارند، با این حال در تمام این مدت به‌جز تعداد اندکی از آثار، اقدام درخورتوجهی ازسوی نهادهای فرهنگی کشور صورت نگرفته است.».

مدیر امور هنری شهرداری مشهد در نگاهی گذرا به حادثهٔ گوهرشاد و وقایع شکل گرفته در این حوزه، ادامه می‌دهد: «واقعهٔ گوهرشاد ماحصل مقاومت چندسالهٔ مردم دربرابر سیاست‌های وارداتی و اجباری رضاخان است که با جامعهٔ مذهبی مردم ایران در تعارض بود.».

میری در ادامهٔ ممنوعیت روضه‌خوانی و عزاداری، ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت و منبررفتن، تغییر لباس و درنهایت فرمان کشف حجاب را از جمله سیاست‌های رضاشاه ذکر می‌کند که با مقاومت مردمی و جامعهٔ روحانیت همراه شد و در این‌باره مردم مشهد با تجمع در مسجد گوهرشاد دربرابر این سیاست‌ها اعتراض کردند.

قیام گوهرشاد، حلقه‌ای از مقاومت مردم

مدیر امور هنری شهرداری مشهد می‌افزاید: «در این حوزه هرکدام از سیاست‌های دستوری رضاشاه با مقاومت‌هایی ازسوی مردم همراه شد که در نگاهی به هرکدام از این رویدادها، می‌توان این رویدادها را با استفاده از انواع قالب‌های هنری و جذابیت‌های بصری دستمایهٔ پردازش هنری قرار داد.».

اما میری در پاسخ به ارزیابی اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته برای معرفی قیام گوهرشاد به‌عنوان یک برند فرهنگی و هویتی مشهد اظهار می‌دارد: «بی‌شک قیام گوهرشاد را به‌واسطهٔ آنکه در مشهد شکل گرفته است، می‌توان جزو برندهای هویتی تاریخی این شهر دانست که در این رابطه پس از ورود شهرداری مشهد به موضوع قیام گوهرشاد، حرکت‌هایی از جمله ورود پژوهشکده‌های تاریخ‌نگاری واقعهٔ گوهرشاد شکل گرفت و بسیار ارزنده است. امیدواریم این حرکت‌ها به جریانی برای پرداختن به حادثهٔ گوهرشاد تبدیل شود.».

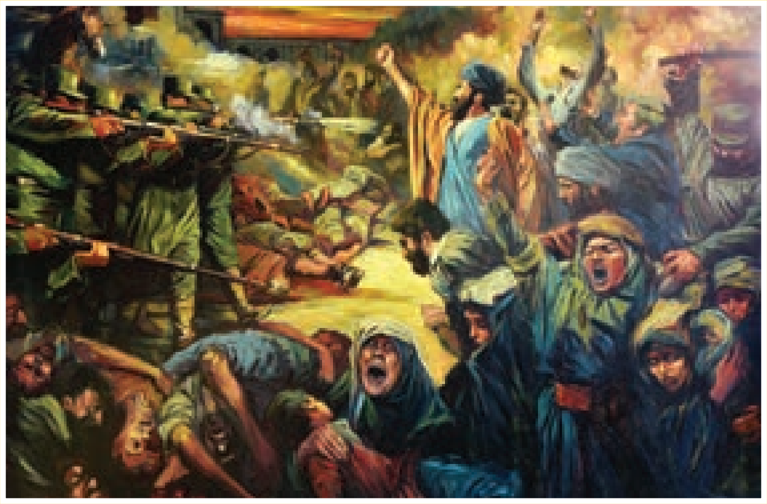

■ نقاش: شکری ■

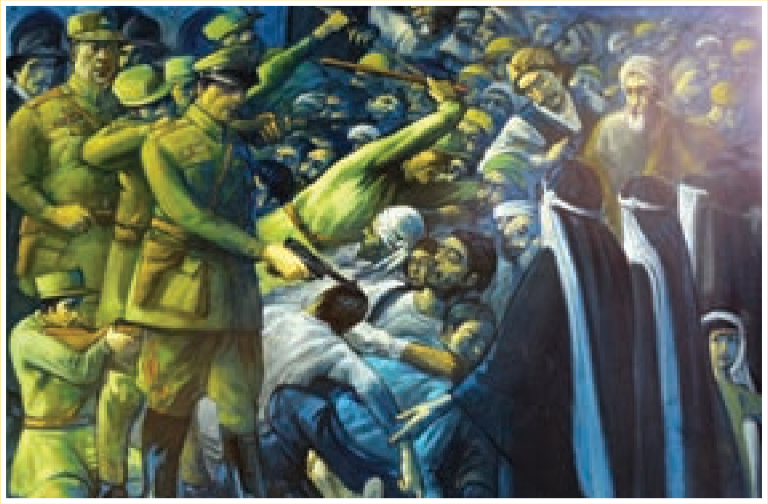

■ نقاش: چلیپا ■

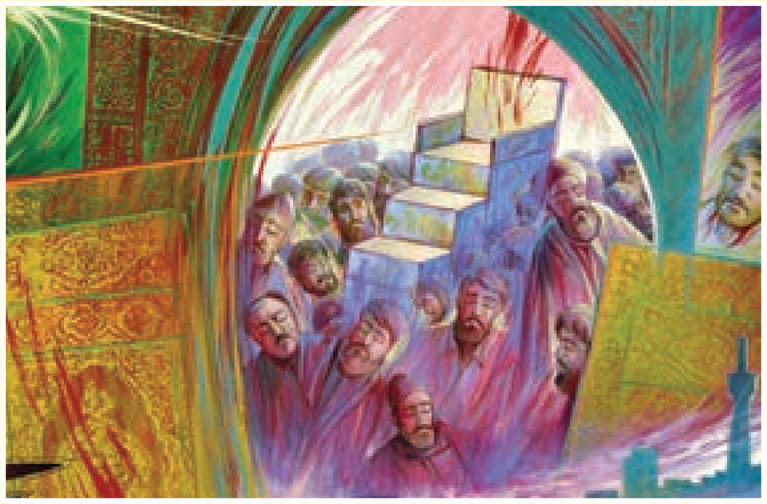

■ نقاش: افشاری ■

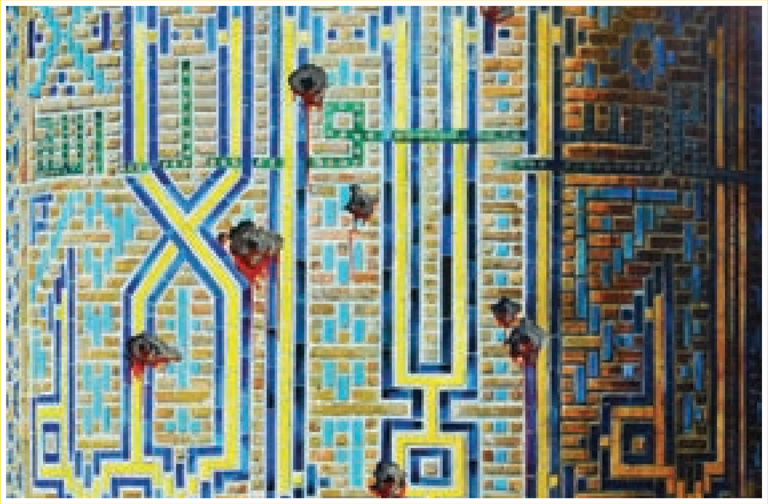

■ نقاش: آزادنیا ■

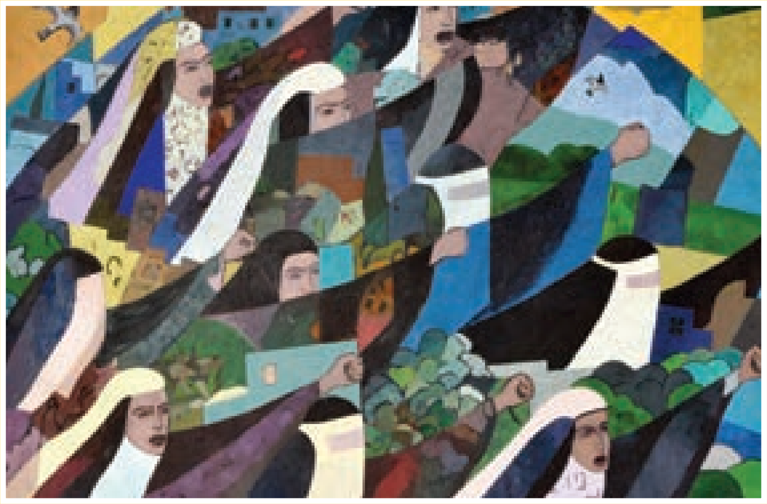

■ نقاش: مدرسی ■

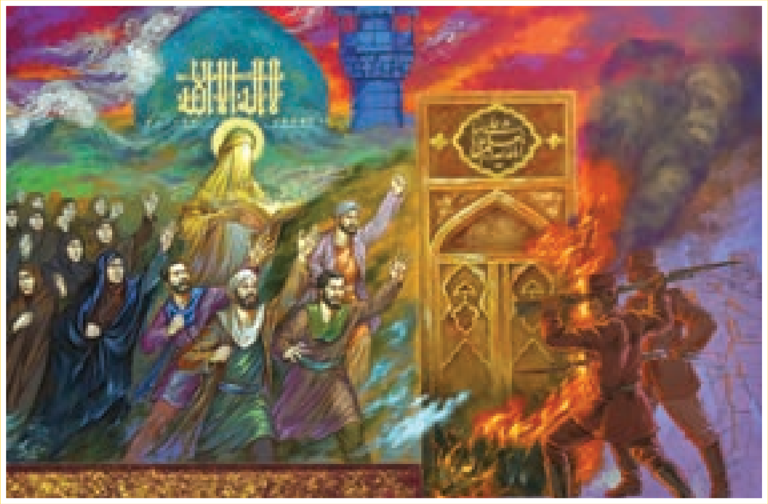

■ نقاش: حاصلی ■

آگهی مزایده
(نوبت دوم)

سازمان میادین میوه و تره بار و ساماندهی مشاغل شهری به نمایندگی از شهرداری مشهد در نظر دارد، تعدادی از بیلبوردها و پل های عابر پیاده سطح شهر مشهد را مطابق لیست و مفاد مندرج در اسناد مزایده ، به شرکت های تبلیغاتی واجد شرایط و مورد تایید کمیته توانسنجی به صورت اجاره واگذار نماید. از کلیه شرکت ها و کانون های تبلیغاتی دعوت بعمل می آید در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی: مشهد مقدس - بلوار توس - توس ۳۹ - شهید موسی پور ۲ - پایانه معراج - طبقه اول شمالی - اداره امور قراردادهای سازمان مراجعه نمایند.

آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: پایان وقت اداری روز شنبه مورخه ۱۳۹۶/۰۴/۳۱

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۶۵۱۷۰۴۶ - ۳۶۵۱۷۰۴۷ - ۳۶۵۱۷۰۴۶ داخلی ۱۷۲ - ۱۳۲ تماس یا به آدرس سایت www.mayadin.mashhad.ir مراجعه نمایند.

معاونت خدمات و محیط زیست شهری - روابط عمومی سازمان میادین میوه و تره بار و ساماندهی مشاغل شهری

شهرآرا در فضای مجازی
@shahraranews
@shahraranews
shahraraonline.com
shahrara.com
photoshahr.com

نویسندهٔ اولین کتاب دربارهٔ قیام گوهرشاد از فعالیت‌های شهرداری مشهد دربارهٔ این قیام می‌گوید

امیدوارم این حرکت ادامه داشته باشد

الهام مهدیزاده- سینا واحد، پژوهشگر و روزنامه‌نگار دههٔ ۶۰ و مؤلف اولین اثر مدون و مکتوب دربارهٔ قیام گوهرشاد است. کسی که سال ۱۳۵۹ از تهران به مشهد آمد تا سراغ شاهدان عینی قیام گوهرشاد برود، قیامی که با وجود بزرگی نامش، تا آن زمان کمتر کسی سراغ آن را گرفته بود و این عاشورای ۲۱ تیر می‌رفت تا در مارپیچ سکوت ایجادشده به دست روشن‌فکران محو شود، هیچ شود و فراموش شود. اما سینا واحد، خود را از این مارپیچ بیرون کشید و به مشهد آمد تا «جنگ مسجد» را دستمایهٔ کتاب هویتی خود کند، آن‌هم زمانی که آتش جنگ تحمیلی فروزان بود.

کتاب «قیام گوهرشاد» نوشتهٔ سینا واحد پردهٔ حجابی را که در گذر تاریخ بر روی این واقعه کشیده شده بود، کنار زد، اما برنداشت! شاید عده‌ای نخواستند که واحد بتواند این پرده را بردارد، لذا گوهرشاد بار دیگر گرفتار گردباد فراموشی شد. شاید هم مارپیچ سکوتی که روشن‌فکران بیمار در آن افتاده بودند، آن‌قدر پیچیده بود که باید جمعی از «واحد»ها تلاش کنند تا آن را بشکنند و روشن‌فکری را از این بی‌اعتنایی به هویت نجات دهند. دردی که نویسندهٔ کتاب با خنده‌هایی تلخ این‌گونه بیان می‌کند: «من که نمی‌توانم بلندگو بردارم و بگویم تو رو حضرت عباس(ع) بیایید کتاب من را که هویت و تاریخ این کشور است، بخوانید!».

باوجوداین، هشتاد سال بعد از آن حادثهٔ وحشتناک، قیام گوهرشاد یک بار دیگر توسط معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد به رسانه‌ها برگشت، به مجامع علمی راه پیدا کرد، وارد فضای هنری شد، دستمایهٔ نویسندگان قرار گرفت و ازسوی مسئولان شهری ولو اندک در جلسات مختلف گفته شد.

به‌مناسبت ۸۱سالگی قیام گوهرشاد گفتگویی داشته‌ایم با سینا واحد، نویسندهٔ اولین اثر مکتوب دربارهٔ این حادثه که در ادامه می‌خوانید.

■ **تقریباً عادت شده که برای هر سؤال و کسب اطلاعی جدید دست‌به‌دامن اینترنت شویم. اما هرچه در اینترنت بیشتر می‌چرخیم، کمتر تألیفاتی دربارهٔ واقعه گوهرشاد پیدا می‌کنیم. به‌جز کتاب شما و یکی دو کتاب دیگر خبری از تألیفات آن‌چنانی و پرداخت‌های داستانی از قیام گوهرشاد نیست. چرا پردازش این قیام و سایر رویدادهای تاریخی از این دست نظیر ۱۵ خرداد ۴۲ کمتر از سوی نویسندگان و هنرمندان ما دستمایهٔ هنرآفرینی قرار گرفته است؟**

چرایی این موضوع را بروید از مسئولان بپرسید. وضعیت ایران و تاریخچهٔ رویدادهای شکل‌گرفته در دوران رضاشاه از آن‌دست مطالبی است که اگر به آن توجه و پرداخته شود، دنیایی از روایت‌ها و رویدادهاست که سال‌ها به تدریس و کار تحقیقاتی و پژوهشی در دانشکده‌ها نیاز دارد.

■ **با این همه جاذبه در پردازش وقایعی مانند گوهرشاد چرا ما تألیفات آن‌چنانی نداریم؟ الان تعداد کتاب‌هایی که به این حادثهٔ مهم پرداخته‌اند، کمتر از انگشتان دو دست است و چند کتابی هم که در سال‌های اخیر تألیف‌شده، درنتیجهٔ فعالیت‌های معاونت فرهنگی شهرداری مشهد بوده است.**

بله، از این کتاب‌ها و فعالیت شهرداری مشهد اطلاع دارم، اما در مورد سؤال شما و کم‌کاری مسئولان ذی‌ربط باید بگوییم که مشکل به آدمی که در رأس مسئولیت تا سطح پایین قرار گرفته است، برمی‌گردد. منِ نویسنده که نمی‌توانم بلندگو بردارم و بگویم تو رو حضرت عباس(ع) بیایید مطلب من را برای قیام گوهرشاد بخوانید.

کتاب قیام گوهرشاد، سال ۶۱ چاپ شد. همان زمان که این کتاب را نوشتم، همین آقای وزیر نفت کنونی که امروز قرارداد توتال می‌بندد، آن‌زمان سرپرست وزارت ارشاد دولت وقت بود. پس از نوشتن این کتاب او شخصاً به من زنگ زد و کتاب را برای چاپ از من گرفت و برد. زنگنه همان زمان و پس از خواندن کتاب و چاپ آن، اولین کسی بود که از پرداختن به قیام گوهرشاد تعریف کرد و گفت «عجب شاهکاری کردی...». بعد از آن، کتاب با سوبسید دولتی و زیر قیمت بازار عرضه شد و به منِ مؤلف هیچ مبلغی ندادند.

■ **گفته می‌شود به علت عدم نفوذ تألیفات تاریخی در میان آحاد جامعه (در مقایسه با کتاب‌هایی با موضوعات اجتماعی)، نویسندگان روی خوش به این موضوعات ندارند و همین باعث تعداد کم تألیفات این حوزه شده است.**

خیر. من به‌هیچ‌عنوان این موضوع را قبول ندارم. کتاب قیام گوهرشاد همان سال ۶۱ که ایران درگیر جنگ و مشکلات داخلی بود، ۱۰ هزار نسخه منتشر شد و در کمتر از ۶ ماه تمام نسخه‌های این کتاب فروخته شد. ۲ سال بعد این کتاب با همین تیراژ برای چاپ دوم منتشر شد. این میزان انتشار برای آن زمان که جمعیت ایران کمتر از حال بود و جدا از آن با مشکلات و وقایع سال ۶۱ درگیر بود، نشان از نفوذ و اقبال مردم برای خواندن این کتاب‌هاست.

اینکه فرهنگ کتاب‌خواندن مشکل دارد را من قبول دارم، اما اگر منظور شما پسرفت فرهنگی است، من به این موضوع نقد دارم، چراکه فرهنگ تنها با تیراژ کتاب، نفوذ و بروز ندارد. بعد از حادثهٔ گوهرشاد و رویدادهای تاریخی پس از آن، رسانه‌های سنتی مانند منبر، مسجد و هیئت‌ها قدرت یافتند و اکنون برای مداحی و منبر یک روحانی، ۲۰ هزار جوان در یک شب دور هم جمع می‌شوند و پای صحبت‌های او می‌نشینند.

این را بگوییم که الان ما دو رویداد پیاده‌روی اربعین و شب‌های قدر را مدیون همین نفوذ تاریخی فرهنگ در جامعه هستیم و هیچ کس نمی‌تواند این حرکت عظیم اربعین و ویژگی فرهنگی آن را بدون نفوذ فرهنگ تصور کند که اگر این‌گونه ذکر کند یا فرهنگی نیست یا از فرهنگ چیزی نمی‌داند.

■ **با این گفته‌های شما مشکل تألیفات اندک رویدادهای تاریخی مانند گوهرشاد نه به مردم و نه به نویسندگان ربط ندارد.**

من پاسخ شما را این‌گونه می‌دهم. شما الان می‌دانید کتاب گوهرشاد یک سال قبل و دوباره توسط سازمان اسناد ملی ایران که یکی از بزرگ‌ترین ناشران ایران به‌لحاظ جایگاهی و قدرت مالی است، تجدید چاپ و منتشر شد.

نکتهٔ جالب این تجدید انتشار که شاید پاسخ شما باشد، اینجاست که این کتاب برای مطبوعات و رسانه‌ها به‌منظور نگاه جدید و پردازش این واقعه ارسال نشد. حتی به دست من که نویسندهٔ این کتاب هستم، یک نسخه نرسید و این جای سؤال دارد چرا این کتاب توسط بزرگ‌ترین ناشر ایران دوباره منتشر می‌شود، اما نه تبلیغی برای انتشار دوبارهٔ آن و نه تابلو و بیلبوردی از انتشار و چاپ مجدد در سطح شهر دیده می‌شود. با این مدل تبلیغ کردن و درنظرگرفتن شرایط کنونی خرید کتاب در کشور، من از شما می‌پرسم که در تجدید چاپ کتاب قیام گوهرشاد آیا بیشتر از ۵۰۰ نسخه فروخته شده است؟!

وقتی این حساسیت‌ها وجود ندارد، معلوم است که ارزش و جایگاه این کتاب و اهمیت کتابت آن کاسته می‌شود.

■ **برگردیم به همان سؤال نخست و اینکه از میان مسئولان کدام فرد بیش از همه در تهیه و انتشار کتاب گوهرشاد در آن زمان با شما همراهی کرد؟**

دریغ از یک نفر، چه دولتی و چه غیردولتی!

همان زمان (سال ۶۱) که کتاب چاپ شد، یکی از شخصیت‌ها که از نزدیکان رهبری (رئیس‌جمهور وقت) است و کتاب قیام گوهرشاد را گرفته بود، در دیداری که با من داشت به این موضوع اشاره کرد که در این کتاب به موضوعی پرداخته‌ای که کسی سراغ آن را نگرفته بود و یک کلمه از آن در کتابخانه‌ها وجود نداشت، اما شما با کنکاش و پیداکردن شاهدانی از این واقعه توانستید حادثهٔ گوهرشاد را در قالب ۴۰۰ صفحه تدوین و ارائه کنید که این یک اقدام و حرکت بزرگ برای این حادثه است و در این راستا حتماً مسئولان و مقامات کشوری از این حرکت شما برای نوشتن این حادثهٔ تلخ تاریخ ایران استقبال می‌کنند.

بعد از او، از من دربارهٔ اینکه چه افراد و نهادهای برجسته‌ای از جمله حوزهٔ قم و مشهد تاکنون از این کتاب استقبال کرده‌اند، سؤال پرسید که من در پاسخ همان «هیچی» را که اکنون به شما گفتم به این فرد هم پاسخ دادم و او با ابراز تأسف گفت: «اگر این کتاب در اروپا به هر زبان زندهٔ دنیا نوشته و منتشر می‌شد، بعد از مدتی کوتاه تشکیلات فرهنگی پاپ از انتشار کتاب آگاهی پیدا می‌کرد و جدا از توجه به این رویداد و کتاب مؤلف را صدا می‌کرد و پاداش بزرگی می‌داد.».

■ **اگر از دغدغه‌مند نبودن برخی از مسئولان فاکتور بگیریم، چرا سایر هنرمندان رشته‌های دیگر مانند هنرمندان حوزهٔ فیلم و سینما در توجه به این موضوع و دستمایه کردن واقعهٔ گوهرشاد برای تهیهٔ فیلم حضور درخورتوجهی نداشته‌اند؟ تا جایی که اطلاع دارم، فیلم فاخری برای قیام گوهرشاد نداشتیم و تنها فیلمی که اکنون در حال ساخت است، فیلمی با عنوان لحاف چهل‌تکه است که توسط شهرداری مشهد (نه نهادهای مسئول حوزهٔ فرهنگ و سینما) در دست اجراست.**

کتاب قیام گوهرشاد که منتشر شد، مرحوم علی حاتمی که از جمله کارگردانان مطرح ایران بود، با خواندن این کتاب علاقه و دلبستگی خاصی به تهیهٔ فیلم از این کتاب پیدا کرد و در چندین مرتبه با من برای این کتاب و تبدیل آن به فیلم صحبت کرد و بارها به این موضوع اشاره داشت که تهیهٔ این کتاب و موضوع واقعهٔ گوهرشاد آن قدر جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد که در این‌باره ساخت فیلمی برای حادثهٔ گوهرشاد مشهد یکی از آرزوهای شخصی اوست.

■ **پس مشکل کار کجا بود؟**

یکی از مشکلات و موانعی که از آن زمان تاکنون مانع تهیهٔ فیلم از واقعهٔ گوهرشاد بوده، هزینهٔ تهیهٔ این فیلم است. نهادهای مسئول حاضر به تأمین این بودجه نیستند.

■ **بعد این همه سال و هزینه کردن برای ساخت فیلم‌های سینمایی با موضوعات تکراری برای خنداندن یا گریاندن مردم چگونه هنوز اعتباری برای اعتبار دادن با حادثهٔ گوهرشاد در قالب فیلم وجود ندارد؟**

چه بگوییم؟ حتماً نیست. البته در حوزهٔ اهالی فرهنگ و هنر کاش کمی رسانه‌ها نیز این نقد را به خود وارد می‌دانستند که آنان نیز در کنار همهٔ این افراد کم‌کار بوده‌اند و روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه‌ای ما هم بی‌حوصله‌ترین افراد شده‌اند تا جایی که همهٔ رسانه‌ها هرسال یک روز مانده به ۲۱ تیر و روز حادثهٔ قیام گوهرشاد با چند تماس تلفنی و زدن مطلبی خود را از این نقد مبرا کرده‌اند. درحالی‌که به اعتقاد من رسانه‌ها نیز در پرداختن به این مسائل و معرفی چهره‌های خوب و بد تاریخ ایران که هویت همهٔ ماست، مسئول‌اند و باید به نقد و حتی پرسشگری چرایی این همه ضعف و کم‌کاری در حوزهٔ تاریخ بپردازند.

به این موضوع بپردازند که چرا هر فردی که وزیر فرهنگ می‌شود از اولین روز وزارت، با تخصصی عجیب به اظهارنظرها در همهٔ حوزه‌های فرهنگی می‌پردازد، اما این وضعیت در دیگر حوزه‌ها نظیر مباحث انرژی و نفت وجود ندارد. به اعتقاد من بی‌اعتنایی‌های زیادی در زمینهٔ قیام گوهرشاد انجام داده‌ایم و باید این ضعف‌ها جبران شود که در این حوزه شهرداری مشهد و معاونت فرهنگی حرکت‌هایی برای قیام گوهرشاد انجام داده‌اند و امیدواریم این حرکت ادامه داشته باشد.

ایوب خرسندی، نویسندهٔ کتاب «چادری که جا نماند»:

هویت مشهد، هنوز هم جای کار دارد

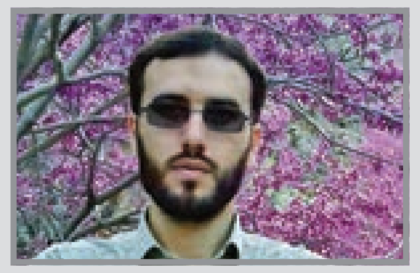

مهدوی- «چادری که جا نماند» با دغدغه‌مندی مسئولان شهرداری مشهد و به سفارش دبیرخانهٔ طرح ملی گوهرشاد تدوین شده و به خاطرات زنان و مردان مقاومی می‌پردازد که دربرابر قلدری رضاخان کوتاه نیامدند.

ایوب خرسندی که تدوین این کتاب را انجام داده است، دراین‌باره می‌گوید: «کتاب شامل صدویک خاطرهٔ برگزیده از مجموعه خاطراتی است که دبیرخانهٔ طرح ملی گوهرشاد آن را گردآوری کرده است.».

او در ادامهٔ عدم حمایت از هنرمندان در پردازش این رویدادهای تاریخی را یکی از دلایل تعداد اندک آثار در این زمینه می‌داند و متذکر می‌شود: «اگر سایر نهادها هم مانند شهرداری از هنرمندان حمایت کنند، مشکل نپرداختن به وقایع تاریخی از بین می‌رود.». این نویسندهٔ مشهدی بر این موضوع نیز تأکید می‌کند که مشهد از گذشته تاکنون یکی از شهرهای اثرگذار کشور است و جای کار برای پرداخت‌های هنری بسیار دارد.